

خط فارسی

نگارش آقای موسی نثری

۳

خط نو فارسی

آغاز

خط نو فارسی که پس از تصویب دانشمندان ممالک و گذشتن از لحاظ بندگان اعلیٰ حضرت شاهنشاهی ارواحنا فداء خط بهلوی نامیده خواهد شد الفباء آن از الفباء خط کنونی گرفته شده و تمام نواقصی که در خط کنونی دیده میشود از میان رفته است .
نواقصی که در خط کنونی هست و در این خط از میان رفته از قراری است که ذیلاً نوشته می شود :

- ۱ — صداها (حرکات) جزء کلمه و در ردیف حروف نوشته می شوند.
- ۲ — حروفی که در فارسی آنها را بیک آهنگ تلفظ میکنند و در خط کنونی با حروف متعدد نوشته می شوند در این خط همه آنها بیک شکل و بابک حرف نوشته خواهد شد مثلاً عوض حروف (ض ز ظ ذ) فقط بیک حرف معین نوشته خواهد شد.
- ۳ — حروفی که اشکال آنها در اول و آخر و وسط کلمه مختلف بود همیشه بیک شکل نوشته خواهد شد .
- ۴ — حروفی که شبیه بیک دیگر بودند و فقط با نقطه از یک دیگر تمیز داده می شدند در این خط شکل آنها با یکدیگر مختلف شده و در عین حال شکل آنها با شکل حروف خط کنونی نیز مابایت ندارد .
- ۵ — هر حرفی که نوشته می شود با بد خوانده شود و حرفی که خوانده نشود نوشته نخواهد شد .
- ۶ — تمام حروف را ممکن است تنها یا متصل بحرف دیگر نوشت بدون آنکه تغییری در شکل آنها پیدا شود .
- ۷ — هر گاه نقاط حروف عمداً یا سهواً نوشته نشود حروف بیک دیگر مشتبه خواهند شد بلکه بعد از مدتی که این خط رایج شد ممکن است نقطه ها بکلی حذف شود .

الفبا — حروف — صداها

الفباء این خط مرکب است از ۲۳ حرف و شش صدای اصلی و دو صدای فرعی که برای مجموع حروف و صداها ۳۱ شکل لازم است و شکاهای مزبور که الفباء این خط را تشکیل میدهند در گزارش اول نگاشته شده است .

دستور نویسان خط کنونی عربی و فارسی صدای واوی را که «صدا» است و او ماقبل مضموم تصور کرده و حرکت را با حرف یکی دانسته اند. در نتیجه این اشتباه بطور کلی هر حرف (و) را که ماقبل آن مضموم بود: (چون آهنگ آن مثل صدای واوی نبوده) ماقبل آن را زیر تصور کرده و گفته اند : چون زیر او میرسد مایل پیش میگردد بنابراین اشتباه در کلمه جو (نام یکی از غلات)

مثلا حرف (ج) را با زیر دانسته‌اند در صورتیکه حرف مزبور بایش است نه با زیر و همچنین در کلمه جوی (معبّر آب) حرف (ج) را با پیش تصور کرده‌اند و حال آنکه با صدای واوی است .
و در کلمه جو (بمعنی فضا) نیز حرف (ج) را با زیر دانسته‌اند و صحیح است و تلفظ دو کلمه جو (بمعنی غله) و جو (بمعنی فضا) بخوبی نشان میدهد که این دو حرکت یکی نیستند بلکه اولی پیش و دومی زیر است و با الفباء این خط سه کلمه مزبوره بطوری نوشته می‌شود که در گراور دوم ذیل نمره (۱) نگاشته شده .

و همین اشتباه را درباره صدای یائی نیز نموده و آنرا (ی) ماقبل مکسور گمان کرده‌اند و در نتیجه هر جا (ی) ساکن ماقبلش زیر بوده زیر دانسته‌اند و گمان کرده‌اند که زیر بواسطه تقدمش بر حرف (ی) مایل بزیر شده است. مثلا در کلمات شیر، شیداء، شباد حرف (ش) را در کلمه اول با زیر و در کلمه دوم و سوم با زیر گمان کرده‌اند در صورتیکه تلفظ حرکت (ش) در کلمه دوم و سوم مختلف است و شبیه یکدیگر نیستند و با آنکه دقتی می‌توان فهمید که (ش) در تلفظ کلمه دوم با زیر و در کلمه سوم با زیر است. بنا بر این این سه کلمه را در خط نومثل نمره ۲ از گراور دوم می‌نویسیم (پیش و زیر در فارسی دو صدا دارند) تلفظ پیش در زبان فارسی دو قسم است :

یکی پیش مایل بصدای واوی است مثل پیش (ک) در کلمه گل و دیگر پیش مایل بفتحه مثل پیش حرف همزه در کلمه ان (اسم اشاره) و ما پیش اولی را بطور مضایق پیش و دومی را پیش زبری می‌نامیم و برای امتیاز در پیش زبری منتهای خط افقی وسط شکل پیش را اندکی متمایل ببالا می‌نویسیم و پیش زبری را یک حرکت فرعی فرض میکنیم که اصل آن پیش مایل بصدای واوی است و شکل پیش زبری در گراور دوم ذیل نمره ۳ نوشته شده است . حرکت زیر نیز در تلفظ دو قسم است یکی آنکه متمایل بصدای یائی است دیگر آنکه متمایل بزبر است مثال اولی مثل حرکت حرف (ب) در کلمه بیا و مثال دومی مثل حرکت (ج) در کلمه چشم .

بطور کلی هر جا (ی) ساکن ماقبلش زیر باشد مایل بزبر تلفظ می‌شود مثل حرکت (د) در کلمه دیمی (در مقابل آبی) و ما زیر مایل بزبر را زیر زبری نام نهاده و در نوشتن دنباله خط افقی وسط شکل را مایل ببالا می‌نویسیم (رجوع کند بنمره ۴ گراور دوم) .

و کلمه دیمی و چشم را چنانچه در نمره ۵ گراور دوم نگاشته شده می‌نویسیم و دو شکل پیش زبری و زیر زبری دو شکل فرعی هستند .

تلفظ صداها

هر گاه صدای از صداهای هشتگانه در اول کلمه یا بعد از صدای دیگر واقع شود جانشین یک حرف و یک صداست یعنی بطوریکه مفرد آن را در الفبا تلفظ میکنیم تلفظ خواهد شد . بنا بر این کلمات اکبر و عالم و باعث را باید مثل نمره (۶) از گراور دوم نوشت . و نیز بنا بر آنچه ذکر شد حرفیکه در این خط جانشین همزه و (ع) است فقط در وسط یا آخر کلمه نوشته می‌شود و در اول کلمه

۱ — در شهرهای فارسی زبان صداها باختلاف لهجه اهالی هر شهر مختلف تلفظ میشوند مثلا در شهری حرفی از کلمه را با زیر تلفظ میکنند و در شهر دیگر همان حرف را با زیر تلفظ میکنند و همچنین حرفی از یک کلمه در شهری بایش و در شهر دیگر بایش زبری تلفظ می‌شود بنا بر این برای تعیین صداهای ثابت لغات فارسی لازم است کتاب لغتی با این خط نوشته شده و صداهای لغات در آن ضبط شود البته مناسب است که حرکات لغات مطابق تکلم فصیحای طهران در کتاب مزبور ضبط شود .

احتیاجی بوجود او نیست و اگر حرف مزبور ساکن نباشد هیچگاه صدا بر آن مقدم نمی‌شود (رجوع کنید
بشماره ۷ گراور دوم).

حروف زائده

هر کلمه بطوریکه فصحا تلفظ میکنند نوشته می‌شود و حرفیکه تلفظ نشود نباید نوشت مثلاً
در کلمات خواستن، خواندن، خواب، خوش، خود و امثال اینها که (و) را نوشته نمی‌خوانند در این
خط (و) نوشته نمی‌شود و ترتیب نوشتن کلمات مزبور بطوری است که در شماره (۸) گراور دوم نگاشته شده.

تئوین

تئوین را در خط کنونی بادوزبر یا دوزبر یا دویزش مینویسند ولی تلفظ آن زیر و نون یا زیر و نون
بایش و نون است. در این خط همانکه تلفظ می‌شود نوشته خواهد شد مثلاً کلمات عمدآ و جدانآ دفته را
مثل شماره ۹ از گراور دوم می‌نویسند.

(ه) غیر ملفوظ

در آخر بعضی از کلمات فارسی حرف (ه) مینویسند ولی خوانده نمی‌شود و در عوض زیر
زبری تلفظ می‌شود و آن را (ه) غیر ملفوظ میگویند!
در این خط حرف زیادی را نباید نوشت و در عوض آن زیر زبری نوشته میشود مثلاً کلمات
جامه، خامه، دوده، ریشه را مثل شماره ۱۰ گراور دوم مینویسیم.

حروف مشدد

در این خط حرف مشدد عوض اینکه علامت تشدید بالای آن گذاشته شود حرف مزبور
دو دفعه نوشته میشود مثلاً کلمات مدت، مروت، عفت، علت، شدت، محبت، سد بطوری نوشته میشوند
که در شماره (۱۱) گراور دوم نگاشته شده.

قلب و حذف

هر حرف یا صدا که بعات ترکیب یا مجاورت دو کلمه یا دو حرف در تلفظ حذف شود نوشته
نمیشود و هر حرف یا صدا که بعالم مزبوره قلب بحرف یا صدای دیگر شود بآنچه قلب شده همان نوشته
میشود و بطور مطلق هر چه که تلفظ میشود همان نوشته خواهد شد مثلاً کلمات: عبدالله، ابوالقاسم
عبدالرحیم، صم بکم، بیش و کم، سنبل، شنبه و خمب بقسمی نوشته می‌شوند که در شماره (۱۲)
گراور دوم نوشته شده.

حروف کلمه - و کلمات هر کبه

معمولاً حروف و صدا های هر کلمه متصل بیکدیگر نوشته می‌شوند و کلمه مابعد اندکی
فاصله خواهد داشت اسم هر کب نیز بهر حال که باشد حروف و حرکات آن اجزاء یک کلمه محسوب
شده متصل بیکدیگر نوشته میشوند مثلاً اسامی هر کب کوهیابه، گیرودار، رفت و آمد، شتران،
رستاخیز مثل شماره (۱۳) گراور دوم نوشته میشود.

کسره اضافه

کسره اضافه و کسره که صفت و موصوف را بیکدیگر ربط می‌دهد و امثال اینها مستقل
نبوده و جزء کلمه نوشته میشود مثلاً کلاه حسن، جبه خز، طاق ابرو، آدم خوب، بچه باهوش،
مردی عالم، بطوری نوشته میشوند که در شماره (۱۴) گراور دوم نوشته شده.

محل اتصال حروف خط نو

هر يك از حروف و حرکات خط نو فارسی در سمت راست و چپ دو نقطه معین دارند که از آن دو نقطه ممکن است بحرف ماقبل یا مابعد متصل شوند و نقاط مزبوره که محل اتصال هستند در تمام حروفیکه در يك سطر واقعند باید در امتداد يك خط مستقیم قرار بگیرند و خط مزبور را که شامل تمام نقاط محل اتصال حروف يك سطر است خط حامل مینامیم و محل اتصال حروف را با مراجعه به مندرجات گراورهاییکه در صفحات بعد می باشند می توان معین نموده بذهن سپرد و این حروف بطوری مرتب شده که ریختن حروف سربی برای آنها خیلی آسان است و باید در تمام سطوحی که حرف در آن بطور برجسته و معکوس نقش شده محل اتصالها از دو طرف در وسط حقیقی اضلاع سمت راست و سمت چپ باشند که در موقع حروف چینی محل اتصالها در يك خط مستقیم واقع شوند و در نوشتن نیز بایستی کاملاً دقت کرد که در يك سطر محل اتصالها در امتداد يك خط واقع شوند و نیز باید بخاطر سپرد که حرف (و) و صدای واوی فقط بوسیله اختلاف محل اتصال از یکدیگر نیز داده می شوند بطوریکه محل اتصال حرف (و) در سمت بالا در امتداد سر (و) میباشد و محل اتصال صدای واوی در امتداد دنباله صدای واوی است بنابراین حرف (و) در سمت پائین خط حامل و صدای واوی در بالای خط حامل قرار می گیرد .

تأکید و یاد آوری مهم

حروف و صداهای فارسی منحصر بهمان ۳۱ شکل است که نوشته شد و بهیچوجه نباید حرف یا حرکتی غیر از حروف و حرکات مزبوره در خط و زبان فارسی دخالت داشته باشد و هر رفتی که از زبان های دیگر گرفته شده یا بعد از این گرفته شود باید در تلفظ و نوشتن بقالب زبان فارسی ریخته شده هر يك از حروف یا حرکتش غیر از حروف و حرکت زبان فارسی باشد باید آنرا تبدیل بحرف یا حرکتی از الفباء فارسی نمود که مشابه آن باشد و اگر کسی غیر از این عمل کند غلط محسوب خواهد شد .

سابقاً بعضی اشخاص که زبان تازی یاد گرفته بودند در سخن گفتن کلماتی را که از عربی داخل زبان فارسی شده با لهجه عربی تلفظ میکردند و این يك نوع اظهار فضل و دانش بود ! امروز هم بعضی از کسانی که زبان های اروپائی آشنا هستند همین کار را میکنند و برای اینکه بسایرین دانش خود را اظهار نمایند مثلاً حرف (ت) کلمه ترکی را با حرکت *ti* تلفظ می کنند در صورتیکه این حرکت اصلاً در زبان فارسی وجود ندارد سخن گفتن این اشخاص را باید گفت غلط است زیرا در حالی که فارسی سخن میگویند حرکات یا حرفی بکار می برند که در فارسی وجود ندارد و همچنین کسیکه در فارسی در کلمه (معلم) حرف (ع) را از حلق ادا میکند باید گفت غلط حرف میزند زیرا این کلمه در زبان فارسی باید مطابق لهجه همین زبان تلفظ شود البته اگر عربی سخن بگویند باید بطوریکه عربها تلفظ میکنند تلفظ کرد و اگر مثل فارسی تلفظ کنند غلط است و باینوسیله حدود تلفظ و لهجه هر زبان محفوظ مانده از فساد آن جلوگیری می شود .

تکمیل خط و نمایش آهنگها و لهجه های مختلف

بطوریکه گفته شد در فارسی بهیچوجه نباید غیر از ۳۱ شکل که دیدیم نوشته شود ولی گاهی در نوشتن بیس برای نمایشها یا برای معرفی و نمایاندن لهجه اهل يك شهری که فارسی سخن

می گویند و در فارسی حرکات و حروفی شبیه بحرکات و حروف کردی یا ترکی یا تازی بکار میزنند محتاج می شویم که لهجه‌هایی غیر لهجه فارسی معمولی نمایش دهیم. بابکی از السنه ترکی یا عربی یا کردی یا السنه اروپائی را عیناً با خط خودمان بنویسیم. در این مواقع ۳۱ شکل مزبور از عهدی ادای مقصود ما بر نمی آیند و احتیاج به چند حرف و حرکت خارجی خواهیم داشت که تفصیل آن را ذیلاً بیان خواهیم کرد ولی تعلیم این دسته از حروف و حرکات در دبستانها بکلی بی مورد است و باید در دبیرستانها تعلیم شود و بعلاوه برای تعلیم آنها باید معامین متخصص در این کار انتخاب کرد که بتوانند هر يك از این حرکات و حروف را با لهجه و آهنگ و مخرج مخصوص همان حرف و حرکت ادا کنند و همان طور بمحصلین تعلیم نمایند و در غیر این صورت تعلیم آنها بکلی بی فایده بلکه مضر است و استعمال آنها هم فقط باید در موارد مزبور باشد و در فارسی عادی و معمولی بهیچ وجه نباید استعمال شود.

حروف و حرکات خارجی

هر يك از حروف و حرکات خارجی شبیه و نزدیک بیکی از حروف و حرکات فارسی میباشند که آهنگ آنها اندکی تغییر کرده باشد.

بنابر این دسته از حروف و حرکات شکل خاصی لازم ندارند و برای نمایش دادن آنها کافی است که علامتی شبیه با کسانهای معمول در خط لاتین بر بالای حروف فارسی مشابه آنها قرار دهیم یا بیکی از نقاط حروف فارسی علامت مزبوره را متصل نمائیم و سه علامت مزبوره هر يك بترتیب خاص بیکی از شکل های حروف فارسی ضمیمه شده آهنگ آنها را از آهنگ حروف فارسی منحرف و متقابل با آهنگ زبان های دیگر مینماید و ما بر حسب قرارداد علامت «آ کسان سیر کن فلکس» را بالای حروفی که آهنگ آنها متمایل بر عربی شده می گذاریم و اگر حرفی در کردی بیشتر موجود باشد «آ کسان گراو» علامت را میگذاریم و هر گاه آهنگ های ترکی باشد علامت «آ کسان اگو» را قرار میدهیم (عربی و کردی و ترکی را از این جهت متناظر دادیم که این سه زبان بیشتر در ممالک ما رایج بود و آهنگ های آنها در زبان فارسی بیشتر تأثیر کرده است مثلاً لهجه فارسی زبانان کرمانشاهان شبیه با لهجه کردی و لهجه کلبه اشخاصیکه در آذربایجان فارسی حرف میزنند شبیه با لهجه ترکی است، اهالی قزوین حتی کسانی که بهیچوجه ترکی نمی دانند با لهجه ترکی سخن میگویند ولی با سرهم رفته این آهنگ ها و حروف سابق می توان گفت که تمام زبانها را ممکن است با این خط بطور صحیح نوشت (۱).

حال شروع میکنم بشرح حروف خارجی :

۱ — حروف (ص ث) عربی را بوسیله شکلی که در فارسی برای (س) قرار داده ایم نمایش میدهیم و بر بالای آن اگر علامت «قرارد دهیم» (ث) و هر گاه علامت «بگذاریم» (ص) عربی خواهد بود (رجوع کنید بحرف ۲۹۱ از گراور چهارم).

۱ — هیچیک از خطوط امروزه دنیا این امتیاز را ندارد و می توان گفت این خط اگر

معمول شود بهترین خطوط دنیا خواهد بود.

- ۲ - این علامت را به بالای حرف عین فارسی قرار میدهیم عین عربی تلفظ میشود (رجوع کنید بحرف ۳ از گراور چهارم).
- ۳ - علامت مزبور را بالای حروف (ت هغ) فارسی میگذاریم (ط ح غ) عربی حاصل می شود (رجوع کنید بحروف ۶ و ۷ و ۸ از گراور چهارم).
- ۴ - اگر این علامت را بالای حروف (ك ك غ ز) فارسی بگذاریم (ك ك ق ذ) کردی تلفظ نمی شود (رجوع کنید بحروف ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ از گراور چهارم).
- ۵ - اگر بر بالای ز فارسی این علامت را بگذاریم ۸ ض عربی و اگر این علامت را بگذاریم ظ عربی تلفظ می شود (رجوع کنید بحروف ۷ و ۸ از گراور چهارم).
- ۶ - اگر این علامت (ر) را بالای ر فارسی قرار دهیم گت ترکی تلفظ میشود (رجوع کنید بحرف ۹ از گراور چهارم).

پیش و پیش زبری ترکی

در ترکی و در اغلب زبانهای اروپائی دو صدا هست که شبیه پیش و پیش زبری فارسی هستند مثلا در کلمه (کل) (آنکه شعرا مشوق بلبش می دانند) ترکیها حرکت حرف ک را شبیه ضمه تلفظ میکنند ولی آهنگ آن غیر آهنگ ضمه است که فارسی زبانان تلفظ میکنند این پیش را ما ضمه ترکی نام نهاده و برای نشان دادن آن علامت (ر) را بمنتهای خط افقی پیش فارسی متصل میکنیم (رجوع کنید بحرف ۱۰ از گراور چهارم).

و همچنین در کلمه (کل) (بمعنی دریاچه) حرکت حرف ک را شبیه پیش زبری تلفظ میکنند ولی با پیش زبری فرق دارد این حرکت را پیش زبری ترکی نام نهاده و برای نشان دادنش علامت (ر) را بمنتهای خط افقی پیش زبری فارسی متصل میکنیم (رجوع کنید بحرف ۱۱ از گراور چهارم) و نیز در ترکی والسنة اروپائی حرکتی بکار میبرند شبیه صدای واوی ولی با آهنگ صدای واوی فارسی فرق دارد بطوریکه هر گاه ضمه ترکی را کشیده ادا کنیم حرکت مزبور حاصل میشود. ما آن را صدای واوی ترکی نام نهاده برای نشان دادنش این علامت را (ر) بالای صدای واوی فارسی میگذاریم (رجوع کنید بحرف ۱۲ از گراور چهارم).

در واقع آهنگ ضمه ترکی و صدای واوی همان آهنگ حرف الف فرانسه است که در اولی کوتاه و در دومی کشیده تلفظ میشود.

- ۱ - تلفظ غ در عربی اندکی با تلفظ آن در فارسی فرق دارد.
- ۲ - ك، ق، ذ، کردی در عربی نیز مستعمل است.

نمونہ از خط نوفارسی

«گراور سوم»

بنامد اکتدلوون دت یلگن و ا بتغبلت

ببضلول اعل اضرابط

چترهل آوید شلہن شلہ پیرلن

آرولہن فلدلہ پن اخط دتر ککشولر

پیرلن رایج شلد و ا مریستد پن ککش

وتر آض ضلمطک یلد ککرفظلن

امللا مشککلر اخططک سلبک اسو

شوش کا علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

دک اکلہن د شلد پن اخطط لک

تر رلواج یلبد وتر کاک مپطلون

د دتر مڈدبظ کلمطر آض یکلہ

اخر دین و ا نوتوشطن و یلد بت

کیرلد و ا مٹہننل پن ککرتسلن

تغلل لکن چاہر سمل کلم اکلہن شلد

